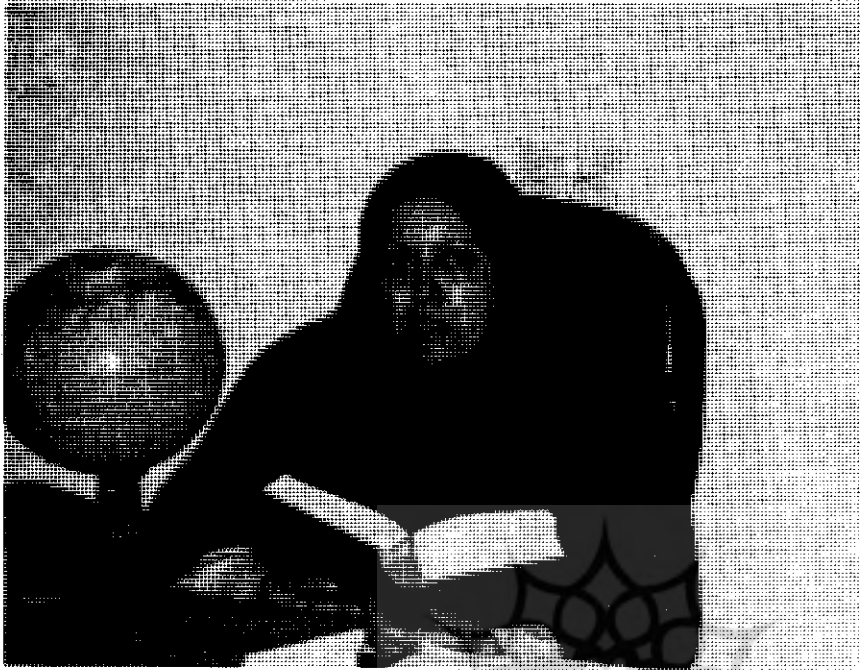


گفت و گو



● طیف وسیعی از جامعه‌ی ما را زنان خانهدار تشکیل می‌دهند که از هیچ‌گونه حمایت رسمی و قانونی برخوردار نیستند.

تعریف شغل را تغییر دهید

راه برای بیمه‌ی زنان خانهدار هموار می‌شود!

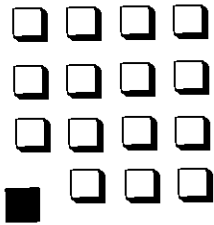
ارزش معنوی و مادی نقش زنان در خانواده و کار آنان در خانه در نظر گرفته شود. این مصوبه تنها مصوبه‌ای است که برای پشتیبانی اقتصادی از زنان خانهدار وجود دارد و به صراحت از آن یاد کرده است. ولی آیا برای اجرای آن گامی برداشته شده است؟ چگونه می‌توان به زنان خانهدار تأمین اجتماعی داد؟ آیا می‌توان زنان خانهدار را بیمه کرد؟ آیا خانه‌داری شغل است یا دشواری اندازه‌گیری کارخانگی مانع شغل شناختن و محاسبه‌ی آن در سرانه‌ی تولید ملی است؟ پرسش‌ها را با خانم ناهید شهید در میان گذاشتیم. آنچه می‌خوانید حاصل این گفت‌وگو است.

● تفاوت و تبعیضی که در بخش مستمری، میان زن و مرد وجود دارد، این است که وقتی زنی فوت می‌کند و شوهرش زنده است، با وجود این که وی حق بیمه‌اش را پرداخته، فرزندان، از دریافت مستمری مادر محروم می‌شوند.

سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران که توسط شورای فرهنگی - اجتماعی زنان نگاشته شد، در تاریخ ۷۱/۵/۲۰ در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید. در ماده‌ی اول آن ذکر شده است که باید

ناهید شهید، حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری، در سال ۱۳۳۲ در تهران به دنیا آمد. به تاسی از پدر حقوقدان و قاضی خود، به رشته‌ی حقوق علاقه‌مند شد. او در سال ۱۳۵۴ از دانشگاه تهران در رشته‌ی حقوق قضایی فارغ‌التحصیل شد و در سال ۵۹ پروانه‌ی وکالت گرفت. او از سال ۵۵ تا ۷۶ به عنوان کارشناس در سازمان تأمین اجتماعی مشغول به کار بود. شهید اکنون به کار وکالت اشتغال دارد و پژوهش‌های او بیش‌تر در زمینه‌ی حقوق زنان است.

حقوق زنان: وضعیت کنونی تأمین اجتماعی زنان در کشور چگونه است؟



گفت و گو

همان‌طور که می‌دانید سازمان تأمین اجتماعی در کشور ما به معنا و مفهوم گسترده‌ی آن یعنی انواع تأمین اجتماعی برای کل افراد جامعه نیست، بلکه تنها بیمه‌های اجتماعی را در بر می‌گیرد و با هدف پشتیبانی نیروی کار در بخش خصوصی به وجود آمده است. همان‌طور که کارگرانِ مردِ شاغل در بخش خصوصی زیر پوشش بیمه‌ی تأمین اجتماعی هستند، زنان نیز از این بیمه برخوردارند. منتها تفاوتی که میان زن و مرد در بخش مستمری‌ها وجود دارد آن است که وقتی زنی فوت می‌کند و شوهرش زنده است، با وجود آن که زن حق بیمه‌ای برابر با مرد پرداخت کرده، به دلیل ولایت پدر بر فرزندان و کفالتی که پدر بر فرزندان دارد، فرزندان از گرفتن مستمری مادر محروم می‌شوند. اما دلیل این تبعیض این گونه توجیه می‌شود که چون زن‌ها می‌توانند از بازنشستگی پیش از موعد استفاده کنند، قانون این چنین وضع شده است.

وقتی می‌بینیم در کشور ما و بازنشستگی‌های پیش از موعد برای مردان هم اجرا می‌شود، چنین استدلالی برای تبعیض موجود، مبنای دقیقی نمی‌یابد. با وجود این یک مرتبه هم در مجلس، موضوع مستمری بازماندگان زنان مطرح شد، به دلایلی که گفتم و نیز به تصور بار مالی داشتن موضوع آن را رد کردند.

من معتقدم که این مورد بار مالی ندارد زیرا حق بیمه‌ی مقرر، از زن برابر مرد در همه‌ی طول سنوات خدمتش گرفته شده است و تصور می‌کنم این قسمت از قانون تأمین اجتماعی، نیازمند اصلاح است. البته درست‌تر است بگویم نه تنها قانون تأمین اجتماعی بلکه به‌طور کلی قوانین استخدامی کشور نیازمند اصلاح است. یا باید در گرفتن حق بیمه تفاوت‌هایی بین مرد و زن باشد که ملاک قرار گیرد و یا زمانی که این تفاوت‌ها موجود نیست، زن نیز باید بتواند برای بازماندگانش حقوقی متصور شود.

● زنان بی‌سرپرست باید در مجتمع‌های تعاونی جمع شوند و مهارت‌هایشان مورد استفاده قرار گیرد.

مشکل دیگری که ما با قانون تأمین اجتماعی داریم، ماده‌ی ۶۷ قانون تأمین اجتماعی است، آن‌جا که می‌گوید: «بیمه شده‌ی زن یا همسر بیمه شده‌ی مرد در صورتی که ظرف یک‌سال پیش از زایمان، سابقه‌ی پرداخت حق بیمه‌ی ۶۰ روز را داشته باشد، می‌تواند به شرط عدم اشتغال به کار از کمک بارداری استفاده کند.» از زمان تصویب قانون تأمین اجتماعی تا این تاریخ، این بخش از حقوق زنان به عنوان همسر بیمه شده‌ی مرد نادیده گرفته شده و سازمان تأمین اجتماعی به آن عمل نکرده است.

مطلب دیگری را که ما باید در تأمین اجتماعی به مفهوم وسیع آن در نظر داشته باشیم، مسئله‌ی زنان خانه‌دار است که آن را نیز برایتان توضیح می‌دهم.

حقوق زنان: استناد به این که زن‌ها چون می‌توانند زودتر از مردان باز نشسته شوند، بنابراین مستمری آنان در صورت زنده بودن شوهر، به فرزندان زن تعلق نمی‌گیرد. وجهی منطقی و قانونی ندارد چون زن قانوناً حق بیمه را پرداخته است. آیا دلیل دیگری برای این تضييع وجود دارد؟

به نظر من استدلالی که شده تنها بهانه‌ای برای عدم پرداخت مستمری‌ست. چون حق بیمه مشخص است و فرد بیمه شده با پرداخت ۲۷ درصد حق بیمه از حقوق و مزایایی که می‌گیرد، فارغ از جنسیت می‌تواند از مزایای تأمین اجتماعی که عبارت است از درمان، انواع مستمری‌ها و انواع کمک‌ها استفاده کند. پس دلیلی برای این تضييع وجود ندارد، به ویژه این که عرف جامعه‌ی ما حکم می‌کند که زن و مرد دوشادوش هم کار کنند و زندگی خانواده را اداره کنند. در آن جایی که زن از چرخه‌ی زندگی به دلیل فوت خارج می‌شود، افزون بر این‌که از

نظر عاطفی فرزندان دچار کمبود می‌شوند، یک مرتبه با کاهش درآمد اقتصادی خانواده هم روبه‌رو خواهند شد و این بسیار دردآور است که خانوادگی هم از نظر عاطفی و هم از نظر اقتصادی زیر فشار قرار گیرد. از نظر قانونی هم حق مستمری فرزندان زن، همان بیمه‌ای‌ست که سازمان تأمین اجتماعی پیش از فوت و از بدو

● تأمین اجتماعی، بهترین محل برای بیمه‌ی زنان خانه‌دار است، چون این سازمان دارای قانون بیمه‌ی اختیاری از جمله قانون حرف و مشاغل آزاد است.

استخدام دریافت کرده و بر این اساس از لحاظ قانونی باید به پرداخت مستمری متعهد باشد و جدا کردن یک قشر با اتکا به این‌که ولی خاص فرزندان زنده است و او تکلیف برانفاق دارد، پس مستمری پرداخت نشود، به نظر من وجیه نیست.

حقوق زنان: به طور کلی کدام گروه از زنان زیر پوشش بیمه هستند و کدام گروه از بیمه‌ی تأمین اجتماعی برخوردار نیستند؟

در کشور ما دو دسته قانون حمایتی وجود دارد، و به اعتباری هم سه دسته. دسته‌ای که به اعتبار اشتغال در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی مشمول قانون استخدام کشوری هستند و پوشش حمایتی خاص خودشان را دارند. دسته‌ی دوم آن‌هایی که به اعتبار اشتغال در بخش خصوصی و کارخانه‌ها و صنوف، مشمول قانون تأمین اجتماعی هستند.

دسته‌ی سوم آن‌هایی هستند که در مؤسسات دارای قوانین حمایتی خاص کار می‌کنند از جمله شهرداری‌ها و سازمان‌های هواپیمایی کشوری. این‌ها آیین‌نامه‌های خاص استخدامی دارند و براساس این قوانین افراد مورد حمایت قرار می‌گیرند.

قشر عمده‌ی زنان این مملکت که در واقع

وقتی زنی در خانه متحمل کدبانوگری می‌شود، پس این بخش اقتصادی خانه را اداره کرده و در چرخه اقتصادی دخالت داشته و مدیریت خانه را برعهده گرفته است، که باید بدان حرمت گذاشت.

به نظر من از طریق قانون جَرَف و مشاغل آزادی که در سازمان تأمین اجتماعی اجرا می‌شود، می‌توان این قشر را با تدوین شرایطی خاص زیر پوشش گرفت. خصوصاً که این قشر به تبع پدر یا شوهر اغلب از حمایت درمانی استفاده می‌کنند و به مسائل درمانی نیاز ندارند. اگر زنی بیست سال حق بیمه به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کند تا بعد بتواند مستمری بازنشستگی بگیرد، با توجه به میزان حق بیمه‌ای که پرداخت می‌کند این مستمری از حداقل دستمزد هم بیشتر نخواهد شد. پس اجرای چنین امری در وهله اول برای سازمان تأمین اجتماعی سودآور خواهد بود. چون وصول کننده است. بدون این‌که هیچ خدمتی ارائه دهد. چون براساس حداقل دستمزد، طی بیست سال حق بیمه گرفته است و بعد براساس حداقل دستمزد هم مستمری پرداخت می‌کند، پس هزینه بر درآمدش مشکلی ایجاد نمی‌کند.

حقوق زنان: مطلع هستید که در طی این سال‌ها برای بیمه کردن زنان خانه‌دار، مراکز زنان و یا خود زنان اقداماتی صورت داده‌اند ولی چون خانه‌داری شغل شناخته نمی‌شود، موفق به انجام آن نشده‌اند. اصرار بر شغل شناختن خانه‌داری را منطقی می‌دانید یا این که پیشنهاد دیگری برای بیمه کردن زنان خانه‌دار دارید؟ مخالفان شغل شناختن خانه‌داری، با استناد به این که باید کارفرمایی را متصور شد و در این جا مناسب نیست که ما شوهر را کارفرما بدانیم با شغل شناختن خانه‌داری مخالفت کرده‌اند، نظر شما چیست؟

- از طریق قانون حرف و مشاغل آزاد می‌شود این کار را کرد، در این صورت شوهر کارفرما نیست. چون زن به اختیار، خودش را بیمه خواهد کرد. پس کارفرمایی متصور نیست ولی در مورد این که خانه داری شغل شناخته نمی‌شود، من معتقدم باید تعریف را تغییر داد. تعریف شغل را باید بر مقتضیات منطبق زمان کرد. در شاخص‌های اقتصادی می‌گویند، شغل



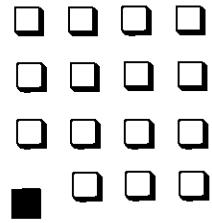
استخدام کشوری و شرایط خاص استخدامی مقدور نیست ولی در سازمان تأمین اجتماعی نظام کلی بیمه‌ای وجود دارد که این نظام به خرده نظام‌های گونه‌گون بخش‌پذیر است، از جمله قانون بیمه‌ای اختیاری، قانون جَرَف و مشاغل آزاد.

وقتی که صاحبان حرفه می‌توانند خودشان را بیمه کنند و طی دوره‌ی مشخصی با پرداخت حق بیمه از مزایای بعدی آن استفاده کنند، زنان خانه‌دار ما هم که در واقع محور اقتصادی خانواده‌ها هستند و هم شاغلند، می‌توانند از مزایای چنین قوانینی بهره‌مند شوند. یعنی اگر زنی در خانه کار نکند، نظام اقتصادی آن خانواده از هم می‌پاشد. پس ما نمی‌توانیم بگوییم که این زن بی‌کاره یا سرریز است. در بسیاری از موارد خصوصاً در روستاهای ما یا در مناطق شهری زنان با کار خانگی خود (منظور من از کار خانگی کارهای جانبی هنری است که زنان برای تأمین معاش خانواده انجام می‌دهند) در چرخه اقتصادی خانواده سهم مهمی دارند. گذشته از این، کاری که انجام می‌دهند - همان کدبانوگری - برای زن درآمدزاست. یعنی اگر زن به حقی که در شرع دارد، عمل بکند و در اداره‌ی خانه همراه مرد نشود و بگوید «آقا شما باید کدبانو استخدام بکنید.» در نتیجه بخشی از درآمد خانه برای گرفتن کدبانو هزینه می‌شود. در این صورت

دختران، زنان خانه‌دار و زنان بی‌سرپرست را شامل می‌شود از هیچ‌گونه حمایتی برخوردار نیستند. چون حمایت‌هایی که در قوانین ما پیش‌بینی شده، به اعتبار اشتغال است. و اشتغال را به معنای وجود رابطه میان فرد حقوق‌بگیر و حقوق‌دهنده تعریف می‌کنند، یعنی میان فرد به عنوان کارگر و کارمند دولت، با فرد دیگر به عنوان کارفرمای خصوصی یا کارفرمای دولتی رابطه‌ای برقرار است، که آن را اشتغال می‌نامند اما زنان و دخترانی که در خانه حضور دارند و به عنوان خانه‌دار در خانه کار می‌کنند، چون رابطه‌ی مذکور وجود ندارد آن‌ها هم مورد حمایت قانونی قرار نمی‌گیرند.

زنان خانه‌دار ما حتماً زنان شوهردار نیستند، بعضاً دخترانی هستند که به دلیل ازدواج نکردن در خانه مانده‌اند و حمایت نمی‌شوند، وقتی می‌گویم زنان خانه‌دار همه‌ی این‌ها را در نظر دارم. طیف بزرگی از جامعه‌ی زنان را خانه‌داران تشکیل می‌دهند که از هیچ‌گونه حمایتی برخوردار نیستند. به همین دلیل من فکر می‌کنم وظیفه‌ی دولت است که به حکم قانون اساسی، برای این‌ها تأمین فراهم کند تا در سالخوردگی، مورد حمایت‌های قانونی قرار بگیرند. من بهترین جا را برای حمایت از این اشخاص سازمان تأمین اجتماعی می‌دانم.

زیر پوشش قرار گرفتن این گروه در بخش‌های حمایتی به دلیل وجود قوانین



گفت و گو

● از طریق قانون حرف و مشاغل این اختیار را به زنان بدهیم که خودشان را بیمه کنند.

چیزی است که درآمدزا باشد و در درآمد عمومی منظور شود و به همین اعتبار گفته می‌شود که چون زنان خانه‌دار درآمدی کسب نمی‌کنند، پس شغل ندارند. در صورتی که با تعبیری که پیش از این گفتیم، زنان خانه‌دار درآمد کسب می‌کنند، منتها کسب درآمدشان پنهان است. ما باید تعریف شغل را تغییر بدهیم، به طریقی که بر مقتضیات زمان منطبق باشد، همچنان که قوانین مختلفی که تصویب می‌کنیم، حتی قانون اساسی کشورمان را در برهه‌های مختلف براساس مقتضیات حاکم بر زمان تغییر داده‌ایم. پس چطور ممکن است ما نتوانیم در تعریف شغل برای حمایت از یک قشر وسیع اجتماعان تغییری ایجاد بکنیم که آن‌ها زیر پوشش قرار گیرند. من فکر می‌کنم این حداقل کاری است که می‌شود برای زنان انجام داد.

حقوق زنان: فرض کنید تعریف شغل را تغییر دادیم، چگونه زنانی که در خانه کار می‌کنند و پولی از بابت آن دریافت نمی‌کنند، می‌توانند حق بیمه‌شان را پرداخت کنند؟ شما می‌خواهید حق پرداخت بیمه‌شان را به فرد دیگری موکول کنید یا نظر دیگری دارید؟

بسیاری از زنان ما در طول زندگی مشترکشان زینت آلاتی برای خودشان تهیه می‌کنند، زن می‌تواند آن چیزی را که به عنوان زینت آلات برای خودش تهیه می‌کند، یا به عنوان هدیه از شوهر می‌گیرد، بابت حق بیمه‌اش پرداخت کند. پس نه تحمیلی به بودجه‌ی خانواده است و نه مرد کارفرما تلقی می‌شود و با توجه به این‌که انتخاب نرخ بیمه برای بازتأمین نسبت به کل

حق بیمه تعیین می‌شود، پرداخت آن هم برای زندگی خانوادگی تحمیلی نیست. تنها می‌ماند آن درصد از زنان خانه‌دار ما که شهرانشان امکان تهیه‌ی هدایایی را برای آن‌ها ندارند. این پرسش شما در آنجا مصداق پیدا می‌کند. همان طوری که دولت در مورد بیمه‌ی درمان روستاییان در بودجه‌ی عمومی، تدابیری را اندیشیده و مبلغی را در نظر گرفته، برای حمایت از این زنان هم می‌تواند مبلغی کلی را در یکی از تبصره‌های بودجه در نظر بگیرد و حق بیمه‌ی این‌گونه زنان را - که فرضاً از جاهای مشخصی مانند کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) معرفی می‌شوند یا از طریق بهزیستی - از آن بودجه تأمین کند تا این‌ها بتوانند از حمایت تأمین اجتماعی برخوردار شوند. این کار در بلند مدت در کم کردن بار دولت نسبت به تعهدات اجتماعی مؤثر است. در واقع با منظور کردن مبلغ اندکی در بودجه‌ی دولت، برای حمایت از آن گروه زنانی که توانایی پرداخت حق بیمه را ندارند، هم قشر مستضعف زنان مورد حمایت قرار می‌گیرند و هم باری بر بودجه سازمان تأمین اجتماعی نمی‌شود.

سازمان تأمین اجتماعی از لحاظ بودجه، سازمان مستقل و خودکفایی است و از بودجه‌ی عمومی دولت استفاده نمی‌کند. در این صورت با پرداخت این حق بیمه به سازمان تأمین اجتماعی، به بودجه‌ی دولت از لحاظ حمایت‌های آتی که باید به این زنان ارائه دهد، تحمیلی هم نخواهد شد. چه اگر این‌ها همانند زنان بی‌سرپرست زیر پوشش سازمان‌هایی مانند سازمان بهزیستی قرار بگیرند، همی هزینه را باید دولت تقبل بکند، حال آن که وقتی این چنین پوشش حمایتی داشته باشند، از تعریف زنان بی‌سرپرست زیر پوشش بهزیستی که مشمول حمایت قانونی قرار می‌گیرند، خارج خواهند شد.

حقوق زنان: بعید است پیشنهاد شما به دلیل بسیاری از زنان خانه‌دار حتی بسیاری از بخش زیر متوسط و در حد خط فقر عملی باشد. فکر نمی‌کنید بتوان از راه‌های دیگری مانند قرار دادن بیمه از اجزای نفقه یا از بودجه‌ی خانواده مشکل را حل کرد، یا با توجه به مسئله‌ی حق اجرت‌المثل زن، بیمه از شوهر مطالبه شود.



امکان استفاده از این راهکارها وجود دارد یا خیر؟

توجه کنیم که قانون حرف و مشاغل به صورت اجباری و فراگیر نیست بلکه به صورت اختیاری است و من معتقدم برای این‌که هرکاری از آغاز به بهترین شکل انجام بشود، باید در عمل آزمایش شود. اگر ما از طریق قانون حرف و مشاغل آزاد که به صورت اختیاری است، این اختیار را به زنان بدهیم که خودشان را بیمه کنند در یک مرحله‌ی زمانی مشخص، زنانی که خودشان مایل هستند و توانایی دارند زیر پوشش بیمه قرار می‌گیرند. و این کار به ما پاسخ می‌دهد که چند درصد با این طرح موفق هستیم. در آن صورت است که می‌توانیم در بعد منابع مالی‌اش حتی برای پوشش اجباری تدارک ببینیم.

منظور کردن بیمه در اجرت‌المثل هم در صورتی است که ما بخواهیم براساس اجرتی که

زن باید از مرد مطالبه کند، بیمه را محاسبه کنیم و این در شرایطی عملی است که زن‌ها در زمان زوجیت هم اجرت مطالبه کنند و اجرتشان را از شوهر بگیرند و از آن اجرت، وجه را به بیمه پرداخت کنند و وقتی که پرداخت اجرت برای مردان اجباری شد، آن بیمه هم اجباری می‌شود. در صورتی که من چنین امری را نمی‌پسندم.

آن جایی که در پی تصویب اجرت‌المثل بودیم برای این بود که حقوقی از زن ضایع نشود. زنان ماه‌ها از سر بزرگواری و سعی‌صدر از بسیاری از حقوقشان در زندگی زناشویی می‌گذرند. منتها ما می‌بینیم که مردان از هم‌هی حقوقشان نسبت به زنان استفاده می‌کنند، از جمله ماده‌ی ۱۱۳۳ معروف قانون مدنی. آن جایی که مرد می‌آید و از حقوقش استفاده می‌کند، باید حق زن را هم پرداخت کند. دیگر دلیلی ندارد که زن از این حقش بگذرد. بسیاری از مواقع هم ما می‌بینیم زن اگر اجرتی در خانه مطالبه نمی‌کند، در واقع مکره از مطالبه‌ی این اجرت است. چون فکر می‌کند اگر من اجرت را مطالبه کنم با تهدید طلاق مواجه خواهم بود، پس بهتر است که سکوت کنم. ولی گنجاندن این مطلب در نفقه به نظر من آنچنان ضرورت ندارد که گنجاندن درمان در نفقه ضرورت دارد. چون بنابر تفسیر نفقه شوهر در بسیاری از موارد که زن به بیماری صعب‌العلاج مبتلاست، تکلیفی بر درمان همسرش ندارد. این در حالی است که زن جوانی و سلامت خود را در خانه‌ی شوهر از دست داده است.

پیش از این که ما بخواهیم در مورد تکلیف مرد بر پرداخت حق بیمه، برای زن قیام کنیم، باید تکلیف مداوای بیماری صعب‌العلاج همسر را برعهده‌ی مرد بگذاریم، تلاش کنیم این گسترش در نفقه ایجاد بشود که درمان هم جزء یکی از موارد نفقه قرار گیرد و اگر درمان یکی از موارد نفقه باشد، خواه ناخواه شوهرها برای این که بتوانند از مزایای بیمه برای این درمان استفاده بکنند، خودشان داوطلب بیمه‌ی همسرانشان خواهند شد.

حقوق زنان: به نظر شما در مفهوم کلی نفقه، درمان زن مستتر نیست؟
- خیر.

حقوق زنان: ما معتقدیم زنی که سال‌ها در خانه‌ی شوهر زحمت کشیده و چه بسا علت بیماری صعب‌العلاجش، انجام کارهای مداوم و سخت خانه داری بوده، باید درمانش در نفقه ملحوظ شود.

- بله، زن سالم و تندرست به خانه‌ی مرد آمده است و بر اثر طول زمان و زحماتی که در خانه‌ی شوهر کشیده، دچار بیماری شده، و این نوع برخورد شایسته‌ی زنان ما نیست. در جایی که ما می‌گوییم اگر کارگری در کارگاهی دچار حادثه شد و در این حادثه کارفرما بخالت داشت، باید هزینه‌هایی را که سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کرده، به سازمان تأمین اجتماعی بدهد. یعنی باید علاوه بر حمایت، هزینه‌ی درمانش را بپردازد، حال چطور ممکن است ما که زن را به عنوان مادر محترم می‌شماریم و در تعابیر مذهبی و روایات، بهشت را زیر پایش می‌بینیم و در بسیاری از روابط او را محور جامعه و تربیت کننده‌ی نسل آتی می‌دانیم، وقتی که بیمار شد وی را به خانه‌ی مادر و پدرش بازگردانیم. اگر پدر و مادرش زنده نبودند و یا توانایی درمان او را نداشتند، در این صورت تکلیف زن چیست؟ آیا اگر مرد هم به بیماری صعب‌العلاج دچار شد، ما به زن این اجازه را می‌دهیم که از پرستاری او خودداری بکند؟ چنین اجازه‌ای را نمی‌دهیم. پس باید حق و تکلیف با هم برابر باشد و گرنه این عدالت نخواهد بود.

به نظر من در بیماری‌های صعب‌العلاج با توجه به پویایی نفقه شیعه که یکی از مزیت‌های برتر مذهب ما نسبت به سایر مذاهب اسلامی است، علمای بزرگ با توجه به وضعیتی که بر زمانه‌ی ما حاکم است، مصلحت جامعه را لحاظ کنند و با صدور فتاوی، درمان را هم جزء نفقه برشمارند، یعنی برای این مطلب حکم شرعی بیان کنند.

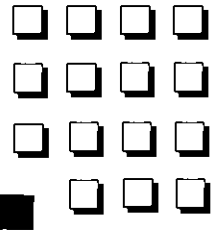
حقوق زنان: اصل ۲۱ قانون اساسی^۲، ایجاد بیمه‌ی خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست، در چه وضعیت و مرحله‌ای قرار دارد؟

- قانونی در این باره از مجلس گذشت و اجرای آن بر عهده‌ی سازمان بهزیستی قرار گرفت. سازمان بهزیستی در حال حاضر مقولای اجرای

این قانون است. منتها آن سازمان هم با توجه به محدودیت بودجه دچار مشکل است. یعنی نمی‌تواند زن‌های بی‌سرپرست یا کودکان بی‌سرپرست را متناسب با شاخص هزینه‌ی زندگی تأمین کند. در نتیجه حمایتی که می‌شود، حمایت کافی و کاملی نیست. از این رو، سازمان بهزیستی نیازمند تقویت مالی است. به همین دلیل من فکر می‌کنم باید سعی کنیم زنان سرپرست خانوار را قادر و توانا کنیم. یعنی به جای آن که زنان به سازمان بهزیستی مراجعه کنند و مقرری مختصری بگیرند که با این مقرری زندگی‌شان هم تأمین نخواهد شد، با همکاری سازمان بهزیستی زنان بی‌سرپرست در مجتمع‌های تعاونی جمع شوند. از مهارت‌های آن‌ها استفاده شود و به آن‌هایی که مهارتی ندارند حرفه آموخته شود تا زن‌ها به صورت مجتمع‌های تعاونی به کار گرفته شوند. در نتیجه هم درآمد خواهند داشت و هم باری بر اجتماع خواهند بود و هم از نظر معیشتی تأمین می‌شوند.

حقوق زنان: در قانون بیمه‌ی زنان بی‌سرپرست، بخشی به آموزش اختصاص دارد ولی این آموزش هم در حد مطلوب نبوده است و گرنه آثاری داشت.

- به این دلیل که درست به عمل در نیامده و به صورت ملموس نبوده است. یعنی اگر در قالب تشکیل تعاونی‌ها به زنان آموزش دهند و در کنار آموزش زنان را به کار عملی وادارند، مشکل برطرف خواهد شد. در کشور ما حضور این زن‌ها در مشاغل مهم بسیار کم‌رنگ است. وقتی به کارخانه‌ها مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که زن‌ها اغلب کارگر ساده هستند و مشاغل بسیار سخت را برعهده دارند. از این رو باید همراه آموزشی که به زن‌های بی‌سرپرست داده می‌شود، کار و حرفه‌ای هم موجود باشد و وقتی این‌ها در قالب تعاونی متشکل شوند، هم کار یاد می‌گیرند و هم کار برایشان فراهم می‌شود و می‌توانند جذب بازار کار شوند و کم‌کم آن بودجه‌ای که بهزیستی برای تأمین مقرری، مصرف می‌کند، برای تأمین سرمایه‌ی تعاونی‌ها مصرف کند که بازدهی مطلوب هم داشته باشد.



گفت و گو

● زنان تربیت کننده‌ی نسل آتی

و محور هر خانواده‌ای هستند،

چطور ممکن است وقتی که

بیمار شدند برگردند و بروند

خانهای مادر و پدرشان؟

◀ حقوق زنان: معتقدم داشتن امکانات اقتصادی

می‌تواند یکی از ابزارهای مفید برای پیشبرد زن‌ها در امور مختلف باشد. نظرتان درباره‌ی باب استیفا در قانون مدنی چیست؟ درباره‌ی اجرت‌المثل مندرج در باب استیفا^۱ و اجرت‌المثل مندرج در قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق چه نظری دارید؟ مستحضرید که در قانون مدنی اصل بر عدم تبرع است و در قانون مربوط به اصلاح مقررات مربوط به طلاق^۲ هم مسئله تبرعی^۳ بودن و هم اذن شوهر آمده است.

- وقتی که می‌گویند زن برای انجام کارهای خانه مکلف نیست، و وقتی زن حتی کاری را که تکلیف ندارد، انجام می‌دهد، نمی‌توانیم بگوییم او قصد تبرع دارد. برای این‌که در چنین وضعیتی کار را برای منفعتی انجام می‌دهد. یعنی عقل حکم نمی‌کند که انسان خودش را در برابر دیگران متعهد کند، سلامت و جوانی و تمام نیرویش را از بین ببرد و در پایان از هیچ چیز برخوردار نباشد. زنانی که خانه‌داری می‌کنند، آن زندگی را چه از لحاظ مادی و چه معنوی از آن خود می‌دانند. پس اگر مردی آمد و گفت این زندگی از تو نیست، دستمزد زن را باید ملحوظ کند. دیگر این‌جا نمی‌شود گفت تبرع است. من از این فراتر می‌روم. زنان ما بنابر عرفی که بر جامعه‌ی ما

حاکم است نمی‌توانند حقوق شرعی خودشان را کاملاً استیفا کنند، چون برای استیفای حقوق شرعی خودشان دچار اکراه هستند. اگر زنی آمد و از شوهرش برای کار خانه اجرت مطالبه کرد، با تهدید عملی ماده‌ی ۱۱۲۲ قانون مدنی روبه‌رو می‌شود و آنجاست که نمی‌داند چه باید بکند. پس این اکراه بر زن خضوع ناخواه بار سنگینی‌ست در این صورت تبرعی نیست. تبرع، جایی است که انسان به اختیار خودش کاری را بکند یا نکند. گذاشتن زن از حقوقش در خانه‌ی شوهر، اختیاری نیست، بلکه در عدم بیان مطالبه‌ی اجرت اکراه دارد و این اکراه نمی‌تواند مسقط حق اجرتش باشد.

◀ حقوق زنان: در نتیجه شما در این بخش اصل

را بر عدم تبرع می‌دانید؟

- بله، به دلیل حاکم بودن اکراه. حالا این اکراه ممکن است به صورت مادی اعمال شود یا به صورت معنوی. در مورد زنان به دلایل عرف حاکم بر جامعه، اکراه به صورت معنوی جاری‌ست و به همین دلیل نمی‌تواند مسقط حق اجرتشان باشد.

◀ حقوق زنان: مرکز امور مشارکت زنان در

برنامه‌ی خود اولویت را به زنان خانه‌دار داده است، پیشنهاد شما برای رشد زنان خانه‌دار و تأمین آنان چیست؟

- خوشحالم که مرکز امور مشارکت زنان بر این موضوع حساسیت نشان داده است. من فکر می‌کنم که ما باید از توانایی‌های زن‌های خانه‌دار به نفع اقتصاد جامعه استفاده کنیم. ما زنان متخصصی داریم که الان در خانه‌ها هستند و خانه‌داری می‌کنند و از تخصص خودشان استفاده نمی‌کنند. چرا؟ چون می‌خواهند به فرزندانشان برسند. این زنان یا به دلیل مشکلات خانه و فرزندداری نمی‌توانند کار کنند یا به دلیل عدم تقاضای بازار کار. من فکر می‌کنم باید حرفه‌ها و مهارت‌های زنان در محلات مختلف شناخته شود و با مشارکت مرکز امور مشارکت زنان و شهرداری‌ها و کمیسیون‌های امور بانوان در مناطق مختلف، قابلیت‌های زنان



شناسایی شده و امکان ایجاد کار حتی در محیط خانه نیز برای زنان متخصص فراهم شود. زنان ژاپنی به کمک شهرداری‌ها این امکان را فراهم آوردند که در خانه کار کنند و کارشان را نیز عرضه کنند. این کار مزیت‌های بسیاری دارد. از رفت و آمدهای بین شهری جلوگیری می‌کند که هزینه‌ی آن می‌تواند صرف خانواده شود. از آلودگی محیط زیست خواهد کاست و از سوی دیگر از قدرت و توانایی این زن‌ها نیز استفاده می‌شود.

مهم‌ترین مسئله در این باره این است که به سرمایه‌گذاری عمده و ایجاد کارگاه و صرف هزینه‌ی زیادی نیست و بدون همه‌ی این مسائل زنان می‌توانند از حرفه‌ی خودشان استفاده کنند، توانا شوند و به خانواده‌شان کمک کنند.

برای نمونه زنان خانه‌داری که خیاطی یا گل‌سازی و فرش‌بافی بلدند، می‌توانند در اوقات فراغت در ضمن این‌که به فرزندانشان می‌رسند کار حرفه‌ای انجام دهند. برای مثال، زن گرافیک‌دوست در منزل به کار حرفه‌ایش مشغول شود و یا زن متخصص کامپیوتر در خانه با

فرم اشتراک ماهنامه حقوق زنان

شماره اشتراک

نام:

نام خانوادگی:

سن: تحصیلات: شغل:

نشانی: کدپستی:

یا صندوق پستی:

تلفن:

به پیوست فیش بانکی به شماره به مبلغ

ریال بابت حق اشتراک یکساله مجله حقوق زنان (برای

۱۲ شماره) ارسال می‌شود.

خواهشمند است مجله را برای مدت یکسال از شماره به نشانی فوق

بفرستید.

● فرم اشتراک را کامل و خوانا پر کرده و کدپستی را حتماً یادداشت نمائید.

● حق اشتراک را به حساب جاری شماره ۱۳۹۲۰ بانک ملی ایران شعبه امیرآباد

کد ۱۲۸ به نام مجله حقوق زنان (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی ایران)

واریز نموده و اصل فیش بانکی را همراه با فرم تکمیل شده اشتراک به آدرس:

تهران - خیابان کارگر شمالی - خیابان فرصت شیرازی - پلاک ۱۴ - طبقه دوم

غربی (واحد ۶) مجله حقوق زنان کد پستی ۱۴۱۸۹ یا صندوق پستی ۱۳۱۴۵/۳۶۳

ارسال دارید.

● لطفاً کپی فیش بانکی را تا زمان دریافت نخستین شماره اشتراک نزد خود نگاه

دارید.

● حق اشتراک برای یکسال (۱۲ شماره) با پست عادی مبلغ ۳۱۸۰ تومان برای

تهران و برای شهرستان ۳۲۴۰ تومان است. حق اشتراک برای شش ماه (۶ شماره)

نصف مبلغ فوق خواهد بود.

● در صورت هرگونه تغییر در نشانی، سریعاً دفتر مجله را در جریان قرار دهید.

کامپیوتر کار کند و درآمد داشته باشد.

در نتیجه سطح درآمد خانواده‌ها بیشتر

می‌شود، سطح فرهنگ محلات تغییر می‌کند،

ترددهای بین شهری کم می‌شود، بار هزینه‌ی

دولت پایین می‌آید و همچنین نیازی به ایجاد

کارگاه و ایجاد شغل نخواهد بود و نیز از

آلودگی‌های هوا مصون خواهیم ماند و محیط

زیست را پاس خواهیم داشت.

حقوق زنان: سپاسگزاریم.

پانوش:

۱ - ماده‌ی ۱۱۳۳ قانون مدنی: «مرد می‌تواند

هروقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد.»

۲ - اصل ۲۱ قانون اساسی: بند ۴ اصل بیست و

یکم، ایجاد بیمه‌ی خاص بیوگان و زنان سالخورده

و بی‌سرپرست

۳ - باب استیفا: مبحث چهارم از قانون مدنی،

مواد ۳۳۶ - ۳۳۷

۴ - قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق، در یک

ماده واحد و هفت تبصره در تاریخ ۷۱/۸/۲۸ در

جمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید. در

تبصره‌ی ۶ آمده است: «حین طلاق در صورت

درخواست زوجه مبنی بر مطالبه‌ی حق الزحمه

کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده است، دادگاه

بدو از طریق تصالح نسبت به تأمین خواسته‌ی

زوجه اقدام می‌نماید. و در صورت عدم امکان

تصالح، چنانچه ضمن عقد یا عقد خارج لازم، در

خصوص امور مالی، شرطی شده باشد طبق آن

عمل می‌شود. در غیر این صورت هرگاه طلاق بنا به

درخواست زوجه نباشد، به ترتیب زیر عمل

می‌شود:

الف - چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده‌ی

وی نبوده، به دستور زوج و یا عدم قصد تبرع انجام

داده باشد، و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه

اجرت المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به

پرداخت آن حکم می‌نماید.

ب - در غیر مورد بند الف، با توجه به سننات زندگی

مشترک و نوع کارهایی که زوجه در خانه‌ی شوهر

انجام داده و وسع مالی زوج، دادگاه مبلغی را از

باب بخشش (نحله) برای زوجه تعیین می‌نماید.»

۵ - تبرع: مجانی